

بررسی رابطه ذهنیت فلسفی با میزان افزایش خلاقیت کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

معظمی مجتبی^۱، رضا والا^۲

چکیده:

مساله مورد بحث در این پژوهش بررسی رابطه بین ذهنیت فلسفی با میزان خلاقیت کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال بوده که سعی کرده ایم ضمن شناسایی ذهنیت فلسفی و خلاقیت کارکنان، به هدف اصلی تحقیق که کشف و تعیین رابطه بین ذهنیت فلسفی و خلاقیت کارکنان دانشگاه است، بپردازیم. روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری مورد استفاده، کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال در سال ۱۳۹۰ است که ۶۵۰ نفر بوده و با استفاده از جدول کرجسی و مورگان تعداد ۲۴۲ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. همچنین در این پژوهش از دو پرسش نامه ذهنیت فلسفی و خلاقیت استفاده شده که هر دو استاندارد بوده و ضریب پایایی آن به ترتیب ۰/۷۴ و ۰/۸۸ برآورد شده است. نتایج حاصل از روش‌های به کار گرفته شده در پژوهش (در سطح آمار توصیفی، متغیرهای آماری نظیر فراوانی، میانگین، درصد، واریانس، انحراف معیار و در سطح آمار استنباطی از طریق همبستگی، آزمون تحلیل واریانس یک طرفه و رگرسیون چند متغیره) نشان داد بین ذهنیت فلسفی با میزان افزایش خلاقیت کارکنان رابطه وجود دارد.

۱. دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، گروه علوم تربیتی، رودهن، ایران

۲. دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، گروه علوم تربیتی، رودهن، ایران

واژه های کلیدی : ذهنیت فلسفی و خلاقیت

مقدمه :

با پیشرفت سریع علم و تکنولوژی، جوامع به مهارت هایی نیاز دارند تا همگام با توسعه علم و فن آوری حرکت کرده و خود را با این تغییرات منطبق ساخته و از گردونه پیشرفت علم و تکنولوژی عقب نمانند. پرورش انسان هایی خلاق و نوآور می تواند تا حدود زیادی جوامع را در رسیدن به این هدف رهنمون سازد و انسان ها در سایه تفکر خلاق بتوانند به خوبی با یک دیگر ارتباط برقرار کرده و با بهره گیری از دانش جمعی و تولید افکار نو، مشکلات را از میان بردارند.

پیشرفت روز به روز جامعه بشری در ابعاد مختلف گویای این واقعیت است که در گرو خلق اندیشه های نو و تحول در نظام های آموزشی است که علم و تکنولوژی به سرعت پیشرفت کرده و افراد خلاق در این پیشرفت و تحول عظیم، نقش کلیدی و تعیین کننده داشته اند. از آنجا که امروزه تعلیم و تربیت به عنوان اساسی ترین عامل رشد و توسعه فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اهمیت به سزایی پیدا کرده، مسئولیت مسئولان آموزشی نیز بیشتر شده است. توانایی فکری و خلاقیت مسئولان آموزشی در جهت بهبود کیفیت آموزشی از مهم ترین ویژگی های آنان محسوب می شود. تفکر صحیح و منطقی آنان را می توان منوط به داشتن ذهنیت فلسفی دانست، ذهن فلسفی فرد را می توان از طرز تفکر، نحوه برخورد با مسائل، گرایش ها و خصوصیات فکری او شناخت که در جنبه های مختلف رفتارش به چشم می خورد. ذهن فلسفی به فرد بینش و دانشی می دهد تا بتواند در مواجهه با مسائل از تنگ نظری، خود محوری و یک جانبه نگری مصون بماند و همچنین به او کمک می کند تا با شناخت و معرفت لازم درباره امور به طور منطقی تصمیم بگیرد.

همچنین با پیشرفت روزافزون و پیچیدگی جوامع و وقوع تغییرات سریع علمی، صنعتی و اجتماعی، پیش بینی دانش ها و مهارت های ضروری برای زندگی آینده مشکل شده است. به عبارتی نمی توان به گذشته به عنوان راهنمای آینده تأکید داشت. در چنین شرایطی نظام های آموزشی ناچارند با کنار گذاشتن شیوه های سنتی تعلیم و تربیت نظیر جهش های تحصیلی، انباشت اطلاعات، مدرک گرایی و اهتمام به تربیت انسان های هم رنگ، آموزش و پرورش خلاق را گسترش داده و به تربیت نسلی اقدام نماید که در شرایط ناآشنای آینده در برخورد با موضوعات و مشکلات جدید، قادر باشند که به صورت مستقل اندیشیده و اقدام به تصمیم گیری نمایند. در نظام های آموزشی کارکنان دانشگاه ها یکی از عناصری هستند که در کارایی درونی و بیرونی سازمان های آموزشی ایفای نقش می کنند و به نظر می رسد برخورداری از ذهن فلسفی و تفکر منطقی کارکنان تأثیر به سزایی در بروز خلاقیت خواهد داشت.

آگاهی کارکنان از نقش اساسی ذهنیت فلسفی و خلاقیت خود و تأثیر آن در بهبود کارایی سازمان، کارکنان

را به تقویت این دو مقوله وادار خواهد نمود و همچنین به مسئولان و مدیران دانشگاه خاطر نشان خواهد ساخت که برای تقویت خلاقیت و ذهنیت فلسفی کارکنان، زمینه‌های لازم را فراهم نمایند که این امر به نوبه خود در بهبود کارایی و سلامت سازمانی و بالا بردن کیفیت آموزشی مؤثر خواهد بود.

علی رغم اهمیت ذهنیت فلسفی و خلاقیت و رابطه بین این دو مقوله در مراکز آموزشی، پژوهشگران کشور ما کمتر به این موضوع پرداخته‌اند و پرسش‌های زیادی در این زمینه بدون پاسخ مانده است. سؤالاتی مانند این که کارکنان دانشگاه، از نظر ذهنیت فلسفی و خلاقیت در چه وضعیتی قرار دارند؟ آیا بین ذهنیت فلسفی و خلاقیت آنان رابطه‌ای وجود دارد؟ یا چگونه می‌توان توانایی‌های مرتبط با ذهنیت فلسفی و خلاقیت کارکنان را تقویت نمود؟

هدف پژوهش:

تعیین رابطه بین ذهنیت فلسفی و میزان افزایش خلاقیت کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال
سوال پژوهش :
آیا بین ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال رابطه معناداری وجود دارد؟

مبانی نظری :

ذهن دارای قوایی است که عبارتند از تعقل، تفکر، هوش، دقت، کنجکاوی و دارای دو بعد فراشناختی یعنی نبوغ و خلاقیت می‌باشد. در تبیین مفهوم ذهن، این نکته را باید مد نظر قرار داد که تمام قوای ذهنی زیرمجموعه عقل هستند و عقل عاملی است که فکر و اندیشه انسان را هدایت می‌کند. فکر کردن اولین مرحله پرورش ذهن است و اندیشیدن از جمله مسائلی است که از دیرباز همواره ذهن اندیشمندان را به خود مشغول کرده است. از جمله کسانی که به تفکر و ماهیت آن توجه کرده است، دیویی می‌باشد. طبق نظر دیویی، تفکر اصیل موقعی تحقق می‌یابد که فرد با مشکلات رو به رو شود و براساس روش علمی به حل آن‌ها بپردازد. دیویی معتقد بود که اعتبار یابی یک فکر هنگامی تحقق می‌یابد که در بوته تجربه آزموده شود و تا زمانی که فکری مبنای عمل قرار نگیرد و پیامدهای آن در عمل ارزشیابی نشود، ناتمام است. (گوتک، ۱۳۸۴: صص ۱۳۳ و ۱۳۵).

فلسفه ۱ از دو کلمه‌ی «فیلو» به معنی دوست داشتن و یا عشق ورزیدن و «سوفیا» به معنی خرد و دانش

1. Philosophia

2. Philo

3. Sophia

درست شده است. فلسفه معمولاً به عنوان یک فعالیت و یک موضوع ذهنی تعریف می‌شود. فلسفه دستیابی به حقیقت است و خود منجر به تکامل نفس می‌شود و سزاوار است انسان که اشرف مخلوقات است، تدریجاً خود را به کمال شایسته برساند. (آموزگار، ۱۳۷۹: ص ۳۷).

فلسفه در مفهومی بسیار کلی شامل تلاش انسان در جهت اندیشه نظری، تأملی و نظامدار درباره جهان و رابطه انسان با آن است. (گوتک، ۱۳۸۴: ص ۶).

خاستگاه فلسفه، عشق و دوست داشتن و مقصد آن دانش و معرفت است. فلسفه نوعی شناخت یا معرفت است. فلسفه یا شناخت فلسفی محصول تفکر و اندیشیدن یا به قولی محصول فلسفیدن است. فلسفیدن حالتی است که در آن تمام نیروی معنوی انسان برای شناختن متمرکز می‌شود و رنگ ممتاز آن توجه به شناسایی است که فلسفه محصول این حالت است. فلسفه عبارت است از بررسی و شناخت تحلیلی و انتقادی مسائل اساسی زندگی انسان به صورت یک کل یا بخشی از آن در ارتباط با کل. (ابراهیم زاده، ۱۳۷۹: ص ۱۶).

فلسفه، بافتنی و ساختگی نیست، بلکه یافتنی و کشف کردن استعداد و مدیون کنجکاوای انسان است. فلسفه بدون چون و چرا به بررسی تفکر وابسته است و فلسفه بیش از آن که موضوعی برای مطالعه باشد، عملی است که شخص باید انجام دهد. فلسفه معمولاً به عنوان یک فعالیت و هم به عنوان موضوعی ذهنی تعریف می‌شود. فلاسفه پیرو رواقیون آن را به فیزیک، اخلاق و منطق تقسیم می‌کردند. برخی در سال‌هایی نزدیک تر برای آن تقسیمات مابعدالطبیعه، معرفت‌شناسی و منطق، و ارزش‌شناسی را پیشنهاد کرده‌اند. بعضی مواقع فلسفه براساس تعدادی سؤال تعریف شده و تقسیم می‌شود، مثل: ماهیت وجود چیست؟ ماهیت حقیقت و اعتبار چیست؟ ماهیت زیبایی چیست؟ ماهیت خوبی چیست؟ پس از پژوهش‌ها و گمانه‌زنی‌ها درباره این سؤالات است که زمینه‌هایی به نام‌هایی چون وجود‌شناسی، منطق یا روش‌شناسی، معرفت‌شناسی، و فلسفه اخلاقی به وجود می‌آید. هنگامی که فرد یا گروه پاسخ‌های منظمی برای گسترده‌ای از چنین سؤالاتی تنظیم می‌کند، این نظم معمولاً به عنوان «یک فلسفه» نامیده می‌شود. (اسمیت، ۱۳۸۲: ص ۳۶).

فلسفه مأموریت دارد به انسان در تفکر عمیق تر به نتایج اعمال روزانه‌اش کمک کند تا انسان بتواند با حکمتی بیشتر، آن را برگزیند که به همه انسان‌ها کمک می‌کند تا تفکرشان را عمیق‌تر سازند. (اسمیت، ۱۳۸۲: ص ۳۸) دکتر اسمیت جمله‌ای را از برتراند راسل دانشمند معاصر انگلیسی، نقل می‌کند که قابل بررسی و تعمق است: «کار فلسفه در عصر ما برای آن‌هایی که فلسفه را مطالعه می‌کنند این است که به ایشان بیاموزد چگونه در وضع و حالت عدم اطمینان، زندگی کنند و در عین حال از اظهار نظر خودداری نکنند.» (شریعتمداری، ۱۳۸۷: ص ۵۰).

به نظر شریعتمداری (۱۳۸۷) آنچه متفکری را به عنوان فیلسوف معرفی می‌کند، طرز تفکر، نحوه برخورد با مسائل، گرایش‌ها و خصوصیات فکری او می‌باشد که در جنبه‌های مختلف رفتارش به چشم می‌خورد.

(شریعتمداری، ۱۳۸۷: ص ۳۲)

ذهنیت فلسفی و اهمیت آن :

جهت تبیین ذهنیت فلسفی لازم است ابتدا به تعریف این مفهوم و اهمیت آن از نظر صاحب نظران پرداخته شود:

میرکمالی (۱۳۸۱) معتقد است که ذهن فلسفی فرد را آماده می‌کند که با تفکر درست و منطقی پدیده‌ها را شناسایی نماید. (میرکمالی، ۱۳۸۱: ص ۱۲۶)

شرفی (۱۳۸۱) ذهن فلسفی را تفکر فلسفی معنا نموده است و برای آن سه کارکرد قائل است که عبارتند از: کارکرد نظری، به معنای آن که فرد چارچوبی برای اندیشه‌های خود بیابد و آن‌ها را نظام خاصی ببخشد. کارکرد تحلیلی، منظور از این کارکرد این است که فرد مفاهیم و واژه‌ها را مورد تفسیر مجدد قرار دهد. کارکرد دستوری، فرد در باب بایدها و نبایدها معیارهای ارزشگذاری مناسبی ایجاد نماید (شرفی، ۱۳۸۱: ص ۲۸-۳۱).

اهمیت ذهنیت فلسفی برای مدیران از این جهت است که مدیریت هر روز متحول می‌گردد و ابعاد تازه‌ای به خود می‌گیرد و صاحب نظران علم مدیریت همواره در تلاش هستند تا اصولی را کشف کنند تا مبانی مدیریت بر پایه این اصول استوار باشد. لازمه مدیریت یک مدیر، تفکر صحیح است تا بتواند اصول و مبانی را به عنوان راهنما در اعمال خود به کار گیرد. مدیر یک موسسه آموزشی هنگام برنامه‌ریزی ابتدا باید تمام عناصر آموزشی مانند استادان، دانشجویان، امکانات و فضای آموزشی را شناسایی نماید و اهداف کلی را مشخص و در راستای آن هدف‌های خاص را هماهنگ و مرتبط سازد تا تحقق هدف کلی سست نگردد. به طور کلی ذهنیت فلسفی یاری کننده فرد در تفکراتش می‌باشد.

اسمیت (۱۳۸۲) ذهنیت فلسفی را توانایی‌ها و ویژگی‌های ذهنی می‌داند که فرد را در تفکر صحیح کمک می‌نماید و او را به قضاوت‌های صحیح داشتن، عادت می‌دهد. (اسمیت، ۱۳۸۲: ص ۷۰)

خلاقیت و اهمیت آن :

خلاقیت همواره مفهومی اسرارآمیز، وسیع و بسیار پیچیده بوده است. خلاقیت را شاید بتوان برترین سطح یادگیری بشر، بالاترین توانمندی تفکر و محصول نهایی ذهن و اندیشه انسان دانست. (سلیمانی، ۱۳۸۴: ص ۱۶)

افزایش خلاقیت در سازمان‌ها می‌تواند به ارتقای کمیّت و کیفیت خدمات، کاهش هزینه‌ها، جلوگیری از اتلاف منابع، کاهش بوروکراسی، افزایش رقابت، افزایش کارایی و بهره‌وری، ایجاد انگیزش و رضایت شغلی در کارکنان منجر گردد. نقش مدیر در پرورش خلاقیت، تحریک و تشویق کارکنان، تفویض اختیار به کارکنان،

پیدا کردن ذهن‌های خلاق و استفاده از خلاقیت دیگران است. نظام مدیریت مشارکتی با تکیه بر خود کنترلی کارکنان، مشورت، تشویق به ابتکار و احترام به افراد، نقش مهمی در پرورش خلاقیت کارکنان ایفا می‌کند. (رضائیان، ۱۳۸۶: ص ۱۰۳)

به طور کلی، خلاقیت در سه محور بر افزایش و توسعه رضایت شغلی تأثیر می‌گذارد: نخست آن که خلاقیت در کار موجب افزایش راندمان شغلی و حرفه‌ای می‌شود. دوم این که خلاقیت باعث افزایش روحیه نشاط و تنوع شغلی می‌شود.

تأثیر سوم خلاقیت این است که اگر بستری برای اندیشه ورزی خلاق در محیط کار وجود داشته باشد، باعث افزایش روحیه استقلال و اعتماد به نفس در شاغلان می‌شود. در واقع خلاقیت شغلی به معنای پیشرفت شغلی نیز هست؛ بنابراین به کار بستن خلاقیت در عرصه اشتغال به کثرت، تنوع و فراوانی مشاغل کمک شایان توجهی می‌کند.

با بهره جویی از فنون خلاقیت و نوآوری در سازمان‌های آموزشی با توجه به آن که ستاده‌های آن بخشی از نهاده‌های اثربخش دیگر سازمان‌ها هستند، خواهیم توانست به طریقی مؤثر به اهداف خود رسیده و سازمان و جامعه ای توسعه یافته و پیشرو داشته باشیم. (رضائیان، ۱۳۸۶: ص ۱۰۳)

خلاقیت در قرآن:

در قرآن مجید از جمله صفات خداوند متعال، «خلاق» شمرده شده است (سوره حجر، آیه ۸۶، سوره یس، آیه ۸۱).

أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ (سوره یس، آیه ۸۱)
آیا کسی که آسمان‌ها و زمین را آفرید، نمی‌تواند همانند آنان [= انسان‌های خاک شده] را بیافریند؟! آری (می‌تواند)، و او آفریدگار داناست.

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ (سوره حجر، آیه ۸۶)
به یقین، پروردگار تو، آفریننده آگاه است.

خداوند عالم، اولین خلاق و نوآور جهان خلقت است و خلاقیت او تنوع و زیبایی شگرفی را در عالم بنا نهاده است. انسان نیز به عنوان کامل‌ترین و عالی‌ترین مخلوق و گزینه خلیفه الهی تنها متفکر خلاق این جهان در بین همه مخلوقات محسوب می‌شود. در جهان کنونی بدون هیچ تردیدی به مدد قوه خلاقیت و نوآوری می‌توان به ساختن فرهنگ و تمدن، علم و تکنولوژی و صنعت دست یافت.

قرآن مجید در این دو آیه (سوره حجر، آیه ۸۶، سوره یس، آیه ۸۱)، روی دو صفت بزرگ خداوند یعنی خلاقیت و علم بی پایان او تکیه می‌کند که در حقیقت دلیلی است بر گفتار پیشین که اگر تردید شما از ناحیه

قدرت او بر خلقت است، او خلاق است و اگر جمع و جور کردن این ذرات نیاز به علم و دانش دارد، او از هر نظر عالم و آگاه است (... بلی و هُوَ الخلاقُ العَلیم)

بنابراین از این که در آیات قرآن دو صفت خلاقیت و علم در کنار یکدیگر آمده و خلاقیت بر علم مقدم شده است، می‌توان استنباط نمود که اولاً: تقدّم «خلاق بر علیم» نشان دهنده اهمیت و عظمت خلاقیت و نوآوری است و ثانیاً: خلاقیت، مبتنی بر علم و دانش است و علم و آگاهی در ظهور و بروز خلاقیت نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند. (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۴: صص ۴۸۹-۴۸۴)

نتایج پژوهش‌های انجام شده :

سیف هاشمی (۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه بین ذهنیت فلسفی و خلاقیت مدیران مدارس متوسطه شهر اصفهان» به این نتایج دست یافت که بین ذهنیت فلسفی و خلاقیت مدیران رابطه مثبتی وجود دارد. همچنین بین هر یک از ابعاد ذهنیت فلسفی با خلاقیت رابطه وجود دارد. بین ذهنیت فلسفی و ابعاد آن و خلاقیت مدیران با توجه به ویژگی‌هایی مانند سن، سابقه خدمت، مدرک تحصیلی، رشته تحصیلی و نوع مدرسه دولتی و غیرانتفاعی تفاوتی معنی‌داری مشاهده نگردید، اما بین ویژگی جنسیت و خلاقیت مدیران تفاوت معنی‌داری مشاهده شد. به این صورت که خلاقیت در مدیران زن بیشتر از مدیران مرد بود.

خزاعی (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه ذهنیت فلسفی مدیران آموزشی و میزان بهره‌گیری از مشارکت معلمان از دیدگاه معلمان مدارس متوسط پسرانه شهر بیرجند در سال تحصیلی ۸۴-۸۳» به این نتیجه دست یافت که بین ذهنیت فلسفی مدیران آموزشی و میزان بهره‌گیری از مشارکت معلمان رابطه مستقیم وجود دارد.

فرهنگ (۱۳۷۷) تحقیقی تحت عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر خلاقیت مدیران شرکت روغن نباتی پارس» در شهر تهران انجام داد و به این نتیجه رسید که بین سن و خلاقیت مدیران و همچنین بین میزان تحصیلات و خلاقیت آنان تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

نیکخواه (۱۳۸۶) تحقیقی تحت عنوان ذهنیت فلسفی و ابعاد آن در معلمان و مربیان ورزش شهرستان گلپایگان انجام داد و به این نتیجه دست یافت که معلمان و مربیان ورزش از نظر ذهنیت فلسفی در حد متوسطی قرار دارند و نمره متوسط معلمان از مربیان بهتر است. در بین ابعاد سه گانه ذهنیت فلسفی جامعیت بالاترین نمره را در بین نمونه به دست آورد. همچنین تحصیلات دارای تأثیر معنی‌داری بر روی ذهنیت فلسفی داشت.

اسمیت (۱۹۶۵) تحقیقی به منظور بررسی تأثیر ذهنیت فلسفی بر روابط انسانی مطلوب و میزان خلاقیت مدیران و همچنین بر روحیه کارکنان مدارس ویرجینیا انجام داد. نمونه آماری از مدیران چهل و شش مدرسه

در این ایالت انتخاب شدند. نتایج این پژوهش نشان داد که بین ذهنیت فلسفی مدیران با روابط انسانی مطلوب، میزان خلاقیت مدیران و با روحیه کارکنان رابطه مستقیم وجود دارد. در این پژوهش بین ویژگی هایی مانند سن، سنوات خدمت و تحصیلات مدیران با ذهنیت فلسفی آن‌ها تفاوت معنی داری دیده نشد. اما تفاوت میان میانگین نمرات خلاقیت در دو گروه زن و مرد معنی دار بود. معلمان در این پژوهش گزارش دادند که راحت تر با مدیرانی که ذهن فلسفی بالا دارند به توافق می‌رسند.

اسبورن^۱ (۱۹۷۵) در رابطه با تأثیر جنسیت و تحصیلات بر خلاقیت تحقیقات فراوانی انجام داده و به این نتیجه رسیده است که زنان در ایجاد ایده‌های نو و بدیع تر بر مردان برتری دارند. همچنین تفاوت کمی بین افرادی که تحصیلات بالایی دانشگاهی داشته‌اند با آن‌هایی که این تحصیلات را نداشته‌اند، وجود دارد.

روش شناسی (متولوژی تحقیق):

با در نظر گرفتن هدف پژوهش، که بررسی رابطه بین ذهنیت فلسفی کارکنان با میزان افزایش خلاقیت آن‌ها می‌باشد، نوع تحقیق کاربردی و روش آن توصیفی^۲ و از نوع همبستگی^۳ انتخاب شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها در نرم افزار SPSS (در سطح آمار توصیفی، متغیرهای آماری نظیر فراوانی، میانگین، درصد، واریانس، انحراف معیار و در سطح آمار استنباطی از طریق همبستگی، آزمون تحلیل واریانس یک طرفه و رگرسیون چند متغیره) صورت گرفته است.

جامعه، نمونه و روش نمونه گیری:

در این پژوهش جامعه آماری مورد استفاده، کارکنان رسمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال در سال ۱۳۹۰ به تعداد ۶۵۰ نفر بوده که بر اساس جدول کرجسی و مورگان تعداد ۲۴۲ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند.

ابزار اندازه گیری:

در این پژوهش از دو پرسش نامه استفاده شده است:

پرسش نامه ذهنیت فلسفی براساس مدل اسمیت که توسط محقق جهت سنجش میزان ذهنیت فلسفی کارکنان دانشگاه تهیه و تنظیم شد.

پرسش نامه خلاقیت که از تلفیق پرسشنامه‌های راودسپ (۱۹۹۷) و انجمن خلاق آمریکا^۴ و پرسش نامه سنجش خلاقیت تورنس تهیه شد.

1. Sborn
2. Descriptive
3. Correlation
4. Association USA Creativity Questionnaire

پایایی و روایی پرسش نامه‌ها :

برای مشخص کردن پایایی پرسش نامه‌ها از ضریب آلفای کرونباخ^۱ استفاده شده است. بدین منظور پس از اجرای مقدماتی بر روی ۳۰ نفر نمونه برای پرسش نامه ذهنیت فلسفی و ۲۰ نفر نمونه برای پرسش نامه خلاقیت به صورت تصادفی و لحاظ نمودن اصلاحات و حذف سؤال‌های نامربوط، ضریب پایایی پرسش نامه ذهنیت فلسفی ۰/۷۴ و ضریب پایایی پرسش نامه خلاقیت ۰/۸۸ برآورد شده که این نشانگر پایایی بالای ابزار اندازه گیری مورد استفاده در این پژوهش است. جهت تعیین روایی صوری و محتوایی، هر دو پرسش نامه در اختیار استادان محترم راهنما و مشاور قرار گرفته و بعد از دریافت نظریات و اصلاح برخی موارد، پرسش نامه‌ها از روایی صوری و محتوایی برخوردار شد. پرسش نامه ذهنیت فلسفی با ۳۰ گویه و پرسش نامه خلاقیت با ۲۰ گویه و براساس مقیاس ۵ درجه‌ای طیف لیکرت تنظیم شد.

تعریف عملیاتی متغیرها :

- خلاقیت^۲: در این پژوهش، منظور از میزان خلاقیت، نمره‌ای است که فرد از پرسش نامه سنجش خلاقیت به دست می‌آورد.
- ذهنیت فلسفی: منظور از میزان ذهنیت فلسفی در این پژوهش، نمره‌ای است که فرد از پرسش نامه ذهنیت فلسفی به دست می‌آورد.

یافته های پژوهش :

تجزیه و تحلیل جداول توصیف داده های حاصل از پرسش نامه‌ها :
جدول ذیل (شماره ۱) توزیع فراوانی و درصد کارمندان دانشگاه آزاد واحد تهران شمال را به تفکیک جنسیت، سن، سابقه و محل خدمت نشان می‌دهد.

1. Cronbach's Alpha

2. Creativity

جدول (۱) توزیع فراوانی بر حسب متغیرهای (جنسیت، سن، سابقه خدمت و محل خدمت)

متغیر	گزینه ها	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۱۱۹	۴۹/۲
	زن	۱۲۳	۵۰/۸
سن	پایین تر از ۳۰ سال	۳۴	۱۴/۰
	سن ۳۱ تا ۴۰ سال	۱۲۷	۵۲/۵
	سن ۴۱ تا ۵۰ سال	۶۶	۲۷/۳
	سن ۵۱ به بالا	۱۵	۶/۲
سابقه خدمت	سابقه ۵ تا ۵ سال	۲۵	۱۱/۰
	سابقه ۶ تا ۱۰ سال	۶۰	۲۶/۳
	سابقه ۱۱ تا ۱۵ سال	۱۱۵	۵۰/۴
	سابقه ۱۶ تا ۲۰ سال	۲۵	۱۱/۰
	سابقه ۲۱ سال به بالا	۳	۱/۳
	بدون پاسخ	۱۴	---
محل خدمت	معاونت آموزش	۴۷	۱۹/۸
	معاونت دانشجویی	۲۳	۹/۷
	معاونت اداری و مالی	۷۰	۲۹/۵
	معاونت عمران	۲۳	۱۸/۱
	معاونت پژوهشی	۴۷	۱۹/۸
	معاونت فرهنگی	۷	۳/۰
	بدون پاسخ	۵	---

توزیع شاخص‌های مرکزی و پراکندگی متغیر ذهنیت فلسفی :

شاخص‌های مرکزی نما، میانانه، میانگین برای متغیر ذهنیت فلسفی به دلیل نزدیک بودن مقدار عددی آن‌ها با یک دیگر، حکایت از گرایش به توزیع نرمال دارد. حداقل نمره ۳۱ و حد اکثر آن ۱۲۹ و نمره کل آن ۲۶۲۹۲ است. نمای نمره ذهنیت فلسفی بیشتر افراد برابر با ۱۰۶ می‌باشد. نمره ذهنیت فلسفی نیمی از پاسخگویان مساوی یا کمتر از ۱۰۹ و نیمی دیگر بیش از آن نمره است. متوسط نمره "ذهنیت فلسفی" نمونه آماری برابر با ۱۰۸ می‌باشد. دامنه توزیع نمرات برابر با ۹۸ نمره است. با توجه به مقدار انحراف معیار، توزیع متغیر "ذهنیت فلسفی" در حدود ۹،۵۸ واحد در اطراف میانگین پراکنده شده اند. بنابراین نمره های "ذهنیت فلسفی" ۹۵ درصد از افراد را می‌توان مساوی یا بزرگ تر از ۹۹،۰۶ و کوچک تر یا مساوی ۱۱۸،۲۲ برآورد کرد.

جدول ۲) توزیع شاخص‌های مرکزی و پراکندگی متغیر ذهنیت فلسفی

ذهنیت فلسفی (بر اساس طیف)	ذهنیت فلسفی (بر اساس نمره تجمیع شده)	
۳/۶۲	۱۰۸/۶۴	میانگین
۳/۶۳	۱۰۹/۰۰	میانه
۴	۱۰۶	نما
۰/۳۱۹	۹/۵۸۲	انحراف معیار
۳	۹۸	دامنه تغییرات
۱	۳۱	حداقل نمره
۴	۱۲۹	حد اکثر نمره
۸۷۶	۲۶۲۹۲	نمره کل

توزیع شاخص‌های مرکزی و پراکندگی متغیر خلاقیت :

شاخص‌های مرکزی نما، میانه، میانگین برای متغیر خلاقیت به دلیل نزدیک بودن مقدار عددی آن‌ها با یکدیگر، حکایت از گرایش به توزیع نرمال دارد. حداقل نمره ۲۹ و حد اکثر آن ۹۶ و نمره کل آن ۱۷۳۷۵ می‌باشد. نمای نمره خلاقیت بیشتر افراد برابر با ۷۳ می‌است. نمره خلاقیت نیمی از پاسخگویان مساوی یا کمتر از ۷۲ و نیمی دیگر بیش از آن نمره می‌باشد. متوسط نمره "خلاقیت" نمونه آماری برابر با ۷۲ است. دامنه توزیع نمرات برابر با ۶۷ نمره می‌باشد. با توجه به مقدار انحراف معیار، توزیع متغیر "خلاقیت" در حدود ۷,۴ واحد در اطراف میانگین پراکنده شده اند. بنابراین نمره های "خلاقیت" ۹۵ درصد از افراد را می‌توان مساوی یا بزرگ تر از ۶۴/۷ و کوچک تر یا مساوی ۷۹,۵ برآورد کرد.

(جدول ۳) توزیع شاخص‌های مرکزی و پراکندگی متغیر خلاقیت

خلاقیت (بر اساس طیف)	خلاقیت (بر اساس نمره تجمیع شده)	
۳/۶۰	۷۲/۱۰	میانگین
۳/۶۰	۷۲/۰۰	میانه
۴	۷۳	نما
۰/۳۷۳	۷/۴۶۰	انحراف معیار
۳	۶۷	دامنه تغییرات
۱	۲۹	حداقل نمره
۵	۹۶	حد اکثر نمره
۸۶۹	۱۷۳۷۵	نمره کل

بررسی سوال پژوهش و نتیجه گیری :

بین ذهنیت فلسفی و میزان افزایش خلاقیت کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال رابطه معنی داری وجود دارد. برای پاسخ به پرسش پژوهش که آیا رابطه ای بین ذهنیت فلسفی و میزان افزایش خلاقیت وجود دارد؟ از رگرسیون استفاده شده است.

جدول شماره ۴ ضریب همبستگی، مجذور ضریب همبستگی یا ضریب تعیین را نشان می‌دهد به گونه ای که میزان همبستگی بین متغیرهای فوق ۰/۵۲ و در سطح متوسطی می‌باشد. بر همین اساس، ضریب همبستگی بین ذهنیت فلسفی و خلاقیت در سطح $p \leq 0/01$ معنی دار بوده است. همچنین ضریب تعیین بیانگر این است که ۲۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته (خلاقیت) توسط متغیر مستقل (ذهنیت فلسفی) تبیین داده می‌شود و متغیر مستقل قادر به پیش بینی تغییرات متغیر وابسته می‌باشد.

جدول شماره ۵ همبستگی بین ذهنیت فلسفی و میزان افزایش خلاقیت را نشان می‌دهد که ذهنیت فلسفی با میزان بتای ۰/۵۲ قدرت تبیین متغیر وابسته را دارد. به عبارت دیگر با افزایش متغیر ذهنیت فلسفی، متغیر خلاقیت افزایش می‌یابد؛ بنابراین همبستگی مثبت و مستقیم بین دو متغیر مشاهده می‌شود. نتایج حاصله با نتایج پژوهش سیف هاشمی (۱۳۸۲) و اسمیت (۱۹۶۵) که در پژوهش خود به این نتیجه رسیده بودند که بین ذهنیت فلسفی و خلاقیت مدیران رابطه وجود دارد، هم خوانی دارد.

(جدول ۴) رگرسیون

خطای معیار برآورد	مجذور ضریب همبستگی تعدیل شده	مجذور ضریب همبستگی	ضریب همبستگی
۶/۳۶۷	۰/۲۷۲	۰/۲۷۵	۰/۵۲۴

(جدول ۵) میزان ضرایب متغیر مستقل بر حسب مقادیر استاندارد و غیر استاندارد

سطح معنی داری	t	ضرایب استاندارد شده	ضرایب استاندارد نشده		متغیر مستقل
		Beta	خطای معیار	B	
۰/۰۰۰	۵/۹۶۷		۴/۶۶۹	۲۷/۸۵۸	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۹/۹۱۲	۰/۵۲۴	۰/۰۴۳	۰/۴۰۷	ذهنیت فلسفی

پیشنهادهای تحقیق :

به مسئولان و برنامه‌ریزان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی پیشنهاد می‌شود: با توجه به اثبات ارتباط بین ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت پرسنل در این پژوهش، در گزینش و انتصاب افراد ذهنیت فلسفی آن‌ها را مورد بررسی قرار دهند؛ زیرا افرادی که دارای ذهنیت فلسفی در حد مطلوبی باشند، از خلاقیت‌های بیشتری برخوردار خواهند بود.

با توجه به اثبات ارتباط بین ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت کارکنان در این پژوهش، افرادی را که دارای ذهنیت فلسفی مطلوب و ایده‌های جدید هستند، تشویق کرده و ضمن معرفی آن‌ها به سایرین، زمینه انتقال تجارب و افکار آن‌ها را به افراد دیگر فراهم نمایند تا از این طریق ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت افراد بهبود یابد.

با توجه به اثبات ارتباط بین ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت کارکنان در این پژوهش، زمینه‌های بروز و رشد ذهنیت فلسفی را از طریق برگزاری دوره‌های ضمن خدمت به کارکنان آموزش دهند تا ظهور و بروز ایده‌ها و افکار خلاقانه در آنان افزایش یابد.

با انتشار مقالات و نتایج تحقیقات انجام گرفته در زمینه ذهنیت فلسفی و خلاقیت در مجلات و سایر منابع مطالعاتی، مسئولان و کارکنان را به اهمیت ذهنیت فلسفی و خلاقیت آگاه نمایند.

منابع:

- ابراهیم زاده، عیسی (۱۳۷۹) فلسفه تربیت (فلسفه آموزش و پرورش)، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات پیام نور
- اسبورن، الکس اس (۱۳۷۵) پرورش استعداد همگانی ابداع و خلاقیت، (ترجمه حسن قاسم زاده)، تهران: انتشارات نیلوفر.
- اسمیت، فیلیپ جی (۱۳۸۲) ذهنیت فلسفی در مدیریت آموزشی، چاپ چهارم. (ترجمه محمدرضا بهرنگی)، تهران: انتشارات کمال تربیت.
- اسمیت، فلیپ. هولفیش، گوردون. (۱۳۸۵) تفکر منطقی روش تعلیم و تربیت (ترجمه علی شریعتمداری)، تهران: انتشارات سمت.
- آموزگار، محمدحسن (۱۳۷۹) فلسفه و مکتب‌های تربیتی، چاپ اول، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- خزاعی، هادی (۱۳۸۴) بررسی رابطه ذهنیت فلسفی مدیران آموزشی و میزان بهره‌گیری از مشارکت معلمان از دیدگاه معلمان مدارس متوسطه پسرانه شهر بیرجند در سال تحصیلی ۸۴-۸۳، تهران: دانشگاه تربیت معلم تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی
- دلاور، علی (۱۳۸۲) روش‌های تحقیق در روان شناسی و علوم تربیتی، تهران: دانشگاه پیام نور
- رضائیان، علی (۱۳۸۶) مبانی سازمان و مدیریت، چاپ دهم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- سرمد، زهره. بازرگان، عباس. حجازی، الهه (۱۳۸۵) روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات آگاه.
- سلیمانی، افشین (۱۳۸۴) کلاس خلاقیت، چاپ دوم، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- سیف هاشمی، فخرالسادات (۱۳۸۲) «بررسی رابطه بین ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت مدیران مدارس متوسطه شهر اصفهان در سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱»، تهران: دانشکده علوم تربیتی دانشگاه اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد.
- شرفی، محمدرضا (۱۳۸۱) تفکر برتر، چاپ اول، تهران: انتشارات سروش.
- شریعتمداری، علی (۱۳۸۷) اصول تعلیم و تربیت، چاپ بیست و یکم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۸۳) فلسفه آموزش و پرورش، چاپ هفتم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- صمد آقایی، جلیل (۱۳۸۰) تکنیک‌های خلاقیت فردی و گروهی، چاپ اول، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- علاقه‌بند، علی (۱۳۸۵) مقدمات مدیریت آموزشی، تهران: نشر روان.
- قادری چوبینی، علیرضا (۱۳۸۸) بررسی رابطه بین ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت مدیران مدارس شهرستان

تیران و کرون

گوتک، جرالد ال (۱۳۸۴) مکاتب فلسفی و آراء تربیتی، چاپ پنجم، (ترجمه محمدجعفر پاک سرشت)، تهران: انتشارات سمت.

مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۸۴) تفسیر نمونه، جلد ۱۱ و ۱۸، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

میرکمالی، سید محمد، (۱۳۸۱) رهبری و مدیریت آموزشی، چاپ ششم. تهران: انتشارات یسپرون.

نوریان، مرتضی (۱۳۸۶) فرازی بر SPSS ۱۴، تهران: انتشارات بیشه.

نیکخواه، علی محمد (۱۳۸۶) ذهنیت فلسفی و ابعاد آن در معلمان و مربیان ورزش شهرستان گلپایگان، دانشگاه اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته تربیت بدنی علوم ورزشی. سایت های اینترنتی در زمینه علوم تربیتی

منابع خارجی

- Ford, Sam, A. (1998). Factor leading to innovation: A study of managers perspective about factor creativity research. Journal of creativity. New York: No.3, pp: 33-39.
- Kaiser, M. (1986). You and creativity. Alumni News. Vol. 4, No.2, pp: 112-116.
- Luthans, F. (1992). Organizational behavior. New York: McGraw Hill book company.
- Raskin, R. (1995). Narcissism and creativity. Journal of research and development in education. Vol. 15, No. 2, pp: 20-30.
- Raudsepp, E. (1997). Creative Growth Games. New York: Putnam.
- Smith, Philip, G. (1965). What is philosophy education?. U.S.A.: McMillan.
- Webster dictionary of the English language. (2003). New York.

